

خلاصہ کل قواعد عربی

بہ سبک عمار

گروہ انسانی

دہم، یازدہم، دوازدہم



عمار تاج بخش

گروه انسانی



الدرسُ الأوّلُ 

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)

جدول صیغه‌ها					
نوع	جنس	صیغه	ماضی	مضارع	ضمیر متصل
فَاعِلٌ	مذکر	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	هـ
		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	هُمَا
		هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	هُمْ
	مؤنث	هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	هَا
		هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	هُمَا
		هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	هُنَّ
مُخَاطَبٌ	مذکر	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	كَ
		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما
		أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	كُم
	مؤنث	أَنْتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	كِ
		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما
		أَنْتِنَّ	فَعَلْتِنَّ	تَفْعَلْنَ	كُنَّ
مذکر و مؤنث	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	ي	
	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	سنا	

جدول فوق معروف به جدول صیغه‌ها است. صیغه‌ها همان ضمایر عربی هستند که هر کدام یک فعل ماضی و مضارع خاص به خود دارند.

فعل مضارع دو ویژگی دارد: اول آن که در ابتدای خود حروف مضارعه دارد (آتین) و در آخر خود یا «دارد» یا «ن» (مرفوع می‌باشد).



❖ فعل امر

همان فعل دستوری در زبان فارسی است که در عربی بر دو نوع است:

۱) امر حاضر

۱) مضارع را می‌نویسیم: تَكْتُبُ (می‌نویسی)

۲) حرف مضارعه را حذف می‌کنیم: كْتُبْ

۳) اگر حرف بعدی ساکن بود به ابتدای فعل یک همزه اضافه می‌کنیم. حرکت

همزه براساس حرکت عین‌الفعل تعیین می‌گردد: اُكْتُبْ

حرکت همزه	حرکت عین‌الفعل
ـَ	ـُ
ـِ	ـِ

۴) فعل را مجزوم می‌کنیم: اُكْتُبْ (بنویس)

۲) امر باللام

۱) مضارع را می‌نویسیم: يَكْتُبُ (می‌نویسد)

۲) به ابتدای فعل مضارع «لِ» اضافه می‌کنیم: لِيَكْتُبْ

۳) مضارع را مجزوم می‌کنیم: لِيَكْتُبْ (باید بنویسد)

توجه: فعل مضارع به سه روش مجزوم می‌شود:

۱) اگر آخر فعل ُ باشد، تبدیل به ْ می‌شود.

۲) در جمع مَوْنَتْ (يَفْعَلْنَ - تَفْعَلْنَ) تغییری رخ نمی‌دهد.

۳) در سایر صیغه‌ها نون حذف می‌شود.

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)



❖ اسم از لحاظ جنس

- مذکر ← بر جنس نر دلالت دارد.
- مؤنث ← بر جنس ماده دلالت دارد.

اسم از لحاظ جنس

❖ (ة) از نشانه‌های مشهور اسامی مؤنث است.

- شهرها و کشورها ← طهران - کویت و ...
- برخی اعضای زوج بدن ← اذن - عین - يد - رجل
- برخی اسامی حفظی ← شمس - أرض - نفس - روح
- حزب - ریح - نار - بئر و ...

اسامی مؤنث بی‌نشانه

❖ اسم از لحاظ عدد

- مفرد ← بر یک فرد یا یک شیء دلالت دارد: مُعَلِّم - مُعَلِّمَة
- مثنی ← بر دو فرد یا دو شیء دلالت دارد: مفرد + ان / ین
- معلمان - معلمین
- معلمتان - معلمتین

اسم

- مذکر ← مفرد + ون - ین معلمون - معلمین
- مؤنث ← مفرد + ات معلمات

جمع

- ❖ فرمول ندارد و بر وزن‌های مشهوری به کار می‌رود
- مکسر فُعْل (کُتِبَ) - أفعال (أشجار) - مفاعِل (مساجد)
- مفاعیل (مشاهیر) - فُعلاء (علماء) و ...

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)



❖ اسم‌های اشاره



خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)

👉 اسم اشاره به مثنی دور جزء مباحث درسی ما نمی‌باشد.



👉 گاهی اوقات «هناک» در ابتدای جمله «وجود دارد» یا «هست» معنی می‌شود.
هناک تلميذٌ في الصفِّ: دانش‌آموزی در کلاس وجود دارد.



الدَّرْسُ الثَّانِي

اعداد در عربی بر

دو قسم می باشد

اصلی ← یک - دو - سه ...

ترتیبی ← اوّل - دوّم - سوّم ... اوّلین - دوّمین ...

جدول اعداد					
عُقود		ترتیبی		اصلی	
۲۰	عِشْرُونَ	م۱	الأوّل	۱	واحد
۳۰	ثلاثونَ	م۲	الثَّانِي	۲	إِثْنَان
۴۰	أربعونَ	م۳	الثَّالِث	۳	ثَلَاثَة
۵۰	خَمْسُونَ	م۴	الرَّابِع	۴	أرْبَعَة
۶۰	سِتُونَ	م۵	الخامِس	۵	خَمْسَة
۷۰	سَبْعُونَ	م۶	السَّادِس	۶	سِتَّة
۸۰	ثمانونَ	م۷	السَّابِع	۷	سَبْعَة
۹۰	تِسْعُونَ	م۸	الثَّامِن	۸	ثَمَانِيَة
		م۹	التَّاسِع	۹	تِسْعَة
		م۱۰	العاشِر	۱۰	عَشْرَة
		م۱۱	الحادي عَشَرَ	۱۱	أحدَ عَشَرَ
		م۱۲	الثَّانِي عَشَرَ	۱۲	إِثْنَا عَشَرَ
		م۱۳	الثَّالِثَ عَشَرَ	۱۳	ثَلَاثَة عَشَرَ
		م۱۴	الرَّابِعَ عَشَرَ	۱۴	أرْبَعَة عَشَرَ
		م۱۵	الخامِسَ عَشَرَ	۱۵	خَمْسَة عَشَرَ
		م۱۶	السَّادِسَ عَشَرَ	۱۶	سِتَّةَ عَشَرَ
		م۱۷	السَّابِعَ عَشَرَ	۱۷	سَبْعَة عَشَرَ
		م۱۸	الثَّامِنَ عَشَرَ	۱۸	ثَمَانِيَة عَشَرَ
		م۱۹	التَّاسِعَ عَشَرَ	۱۹	تِسْعَة عَشَرَ
		م۲۰	العِشْرُونَ	۲۰	عِشْرُونَ

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)



الدرس الثالث والرابع

فعلها در عربی اکثراً دارای سه حرف اصلی هستند لذا به این فعلها «ثلاثی» می‌گویند، یعنی «سه تائی». اگر فعل ماضی «هو» در این فعلها حرف زائد نداشته باشد (عَلِمَ) به آن ثلاثی مجرد (فعل‌های گروه اول) می‌گویند. اما اگر ماضی «هو» حرف زائد داشته باشد به آن ثلاثی مزید (فعلها گروه دوم) می‌گویند، مثل «هو تَعَلَّمَ» که علاوه بر سه حرف اصلی «ع ل م» حروف زائد «ت» و «تکرار عین‌الفعل» را دارد. فعل‌های ثلاثی مزید بر وزن‌های خاصی می‌آیند و در جدول زیر آمده‌اند. اگر فعلی بر این وزن‌ها نباشد، ثلاثی مجرد است.

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)

حروف زائد	مصدر	أمر	مضارع	ماضی
أ	إفعل	أفعلُ	يُفعلُ	أفعلَ
تکرار عین‌العقل	تفعیل	فَعَّلُ	يُفَعَّلُ	فَعَّلَ
الف	مُفَاعَلَة	فَاعِلُ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
ت - الف	تَفَاعُلُ	تَفَاعَلُ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ
ت - تکرار عین‌الفعل	تَفَعُّلُ	تَفَعَّلُ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
إ - ت	إفْتِعَالُ	إفْتَعِلُ	يَفْتَعِلُ	إفْتَعَلَ
إ - ن	إنْفِعَالُ	إنْفَعِلُ	يَنْفَعِلُ	إنْفَعَلَ
إ - س - ت	إسْتِفْعَالُ	إسْتَفْعِلُ	يَسْتَفْعِلُ	إسْتَفْعَلَ



الدرس الخامس

انواع جمله

فعلیة ← با فعل شروع می شود. يَذْهَبُ عَلِيٌّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

إسمية ← با اسم شروع می شود. عَلِيٌّ يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

ارکان اصلی جمله فعلیه ← **فعل + فاعل + مفعول**

البته گاهی اوقات برخی از جمله‌ها مفعول ندارند. در فارسی به این جملات «لازم» می‌گویند و اگر جمله‌ای مفعول داشته باشد «متعدی» می‌گویند:

مثال: كَتَبَ التَّلْمِيزُ رِسَالَةً. (دانش‌آموز نامه‌ای نوشت).
فعل فاعل مفعول

ذَهَبَ التَّلْمِيزُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. (دانش‌آموز به مدرسه رفت).
فعل فاعل

ارکان اصلی جمله اسمیه ← **مبتدا + خبر**

مثال: التَّلْمِيزُ كَتَبَ الرَّسَالَةَ. ← (دانش‌آموز نامه را نوشت).
مبتدا خبر

خبر گاهی می‌تواند یک اسم، یک فعل یا جار و مجرور باشد:

مثال: التَّلْمِيزُ نَشِيطٌ. التَّلْمِيزُ ذَهَبَ. التَّلْمِيزُ فِي الصَّفِّ.
خبر خبر خبر

در عربی مانند فارسی دو ترکیب وجود دارد:

اضافی ← هرگاه دو اسم به هم اضافه شوند که دلالت بر مالکیت داشته باشند و دوّمی، اولی را توصیف نکند:

كِتَابُ التَّلْمِيزِ (کتاب دانش‌آموز)
مضاف مضاف‌الیه

ترکیب

وصفی ← هرگاه دو اسم به دنبال هم بیایند که دوّمی، اولی را توصیف کند:

كِتَابٌ مَفِيدٌ (کتابی مفید)
موصوف صفت

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)



الدرس السادس



معرب ← حرکت حرف آخر آن‌ها تغییر می‌کند

- ضمیرها
- موصول‌ها

کلمات از لحاظ تغییر حرکت حرف آخر

مبنی ← حرکت حرف آخر اسم‌های اشاره
 آن‌ها تغییر نمی‌کند
 کلمات پرششی (استفهام)
 ادات شرط

در عربی هر نقش (محلّ عربی) دارای حالت‌های اعراب خاصی است:

مرفوعات { فاعل
مبتدا
خبر
نائب فاعل }
 منصوبات ← مفعول

مجزورات { مجرور به حرف جر
مضاف الیه }

اسامی هر یک از حالت‌های فوق را به شکل خاصی نشان می‌دهند:

مرفوع بودن { در مثنی ← انِ ← المَعْلَمَانِ
در جمع مذکر سالم ← ونَ ← المَعْلَمُونَ
در سایر اسامی ← ُ ← المَعْلَمُ - مَعْلَمٌ }

منصوب بودن { در مثنی ← ینِ ← المَعْلَمَیْنِ
در جمع مذکر سالم ← ینَ ← المَعْلَمَیْنِ
در سایر اسامی ← ً ← المَعْلَمُ - مَعْلَمًا }

مجرور بودن { در مثنی ← ینِ ← المَعْلَمَیْنِ
در جمع مذکر سالم ← ینَ ← المَعْلَمَیْنِ
در سایر اسامی ← ً ← المَعْلَمُ - مَعْلَمًا }

یادتان باشد که صفت در اعراب تابع موصوف است!

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)

الدَّرسُ السَّابعُ 

- معلوم ← فاعل مشخص است: (علی در را زد)
- مجهول ← فاعل مشخص نیست: (در زده شد!)

برای مجهول کردن فعل‌ها باید توجه داشته باشیم که فعل ماضی و مضارع هر کدام به شیوه خاصی در زبان عربی مجهول می‌شوند:

روش مجهول کردن ماضی

- ۱ عین‌الفعل را مکسور (ـِ) می‌کنیم.
- ۲ کلیه حروف غیر ساکن قبل از عین‌الفعل را مضموم (ـُ) می‌کنیم: **اِسْتَخْرَجَ** (استخراج کرد) ← **اُسْتُخْرِجَ** (استخراج شد)

روش مجهول کردن مضارع

- ۱ عین‌الفعل را مفتوح (ـَ) می‌کنیم.
 - ۲ فقط حرف مضارعه را مضموم (ـُ) می‌کنیم: **يَسْتَخْرِجُ** (استخراج می‌کند) ← **يُسْتُخْرِجُ** (استخراج می‌شود)
- تمام فعل‌های مجهول در کتاب درسی با (ـُ) شروع می‌شوند اما هر فعلی که با (ـُ) شروع می‌شود مجهول نیست مثل **يُفَعِّلُ**، **يُقَعِّلُ**، **يُفَاعِلُ**، با این که با (ـُ) شروع شده‌اند معلوم‌اند چون حرکت عین‌الفعل آن‌ها فتحه (ـَ) نیست.
- تمام فعل‌های ماضی‌ای که با (ـُ) شروع می‌شوند، حتماً مجهول‌اند.
- در ترجمه فعل‌های مجهول از فعل «شدن» استفاده می‌شود.

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

عبارت‌هایی مانند «به مدرسه» «از کتاب» و ... در فارسی از حرف اضافه و متمم تشکیل یافته‌اند. در عربی نیز چنین ساختاری وجود دارد که به آن جار و مجرور می‌گویند.

حرف جر + مجرور به حرف جر = جار و مجرور

مثال: أَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ! (به خانه می‌روم)

حرف مجرور به حرف متمم

جر حرف جر اضافه

جار و مجرور

حروف جر بسیار پرکاربرد هستند و گاهی بیش از یک معنی دارند که در جدول زیر آمده است.

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)

حرف جرّ	ترجمه فارسی	مثال
مِنْ	از	أَرْجِعُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ ظَهْرًا!
فِي	در	أَنَا أَجْتَهِدُ فِي حَيَاتِي!
إِلَى	به	ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ!
	به سوی	ذَهَبْتُ إِلَى أَبِي!
	تا	قَرَأْتُ الدَّرْسَ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ!
عَلَى	روی	جَعَلْتُ كِتَابِي عَلَى الْمِنْضَةِ!
	بر ضدّ (زیان)	يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا!
لِـ	برای	الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ!
	از آن (مال)	هَذَا الْكِتَابُ لِأَخِي!
	داشتن	لِحَمِيدٍ جَوَّالٍ جَدِيدٍ!
عَنْ	از	سَأَلَ الْمَعْلَمَ عَنْكَ!
	درباره	مَاذَا تَعَلَّمُ عَنِ الدَّلَافِينِ؟!
	به‌دنبال	لَا تَبْحَثْ عَنِ السَّعَادَةِ فِي التَّشَاوُمِ!
بِـ	بوسیله (با)	كَتَبْتُ بِالْقَلَمِ!
	در	سَاعَدَكُمْ بِالْحَيَاةِ!
كَـ	مانند (همچون)	أَنْتَ كَالجَبَلِ فِي الْإِسْتِقَامَةِ!



الدّرسُ الأوّلُ

در عربی با تغییر وزن کلمات معنای آن نیز تغییر می‌کند. در درس بعدی با وزن‌های مهم اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه آشنا می‌شوید. در این درس با دو وزن دیگر نیز آشنا می‌شوید:

- ۱. اسم تفضیل
 - برای مذکر ← بر وزن **أَفْعَل** ← أَكْبَر - أَعْظَم و...
 - برای مؤنث ← بر وزن **فُعَلَى** ← كُبْرَى - عُظْمَى و...

اسم تفضیل معادل صفت تفضیلی (تر) یا صفت عالی (ترین) در فارسی می‌باشد.
أَكْبَر - كُبْرَى ← بزرگ‌تر - بزرگ‌ترین

گاهی اسم تفضیل تغییر شکل می‌دهد و بر وزن **أَفَلْ** و **أَفْعَى** نیز ظاهر می‌شود.
أَشَدَّ (شدیدتر - شدیدترین) - أَعْلَى (بلندتر - بلندترین)

اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» در جمع مکسر بر وزن «أَفَاعِل» است:
أَكَابِر ← مفرد: أَكْبَر
أَفَاضِل ← مفرد: أَفْضَل

اگر پس از اسم تفضیل حرف جر «مِن» بیاید، اسم تفضیل به صورت «تر» و در غیر این صورت به صورت «ترین» ترجمه می‌شود.

دو اسم «خَيْر» و «شَر» اگر به معنی «تر» یا «ترین» باشند (خوب‌تر یا خوب‌ترین - بدتر یا بدترین) اسم تفضیل اند.

- ۲. اسم مکان
 - مَفْعَل ← مَكْتَب - مَطْبَخ - مَشْهَد
 - مَفْعَل ← مَشْرِق - مَسْجِد - مَغْرِب
 - مَفْعَلَة ← مَكْتَبَة - مَزْرَعَة - مَدْرَسَة

اسم مکان دلالت بر محل و مکان انجام یک کار دارد:

مَطْبَخ (محلّ طبخ و آشپزی) = آشپزخانه

اسامی مکان غالباً بر وزن مفاعِل جمع بسته می‌شوند:

مَسَاجِد - مَزَارِع - مَقَابِر و...

خلاصه قواعد عربی یازدهم (انسانی)



الدرّسُ الثّانی



همان طور که می دانید در عربی با تغییر وزن کلمات معنی آن‌ها نیز تغییر می کند. در این درس با سه وزن مهم، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه آشنا می شوید:

اسم فاعل

معادل صفت فاعلی در زبان فارسی است و برحسب نوع فعل بر دو قسم است:

از ثلاثی مجرد ← بر وزن **فاعل** ساخته می شود.

عَلِمَ ← عَالِم (دانا)

اسم فاعل

- ۱- مضارع را می نویسیم.
- ۲- حرف مضارعه را حذف می کنیم و جای آن مُ می گذاریم.
- ۳- عین الفعل را مکسور (ـِ) می کنیم.

عَلِمَ ← يُعَلِّمُ ← مُعَلِّم (یاد دهنده - آموزگار)

اسم مفعول

معادل صفت مفعولی در زبان فارسی است و برحسب نوع فعل بر دو قسم است:

از ثلاثی مجرد ← بر وزن **مفعول** ساخته می شود.

عَلِمَ ← معلوم (آشکار)

اسم مفعول

- ۱- مضارع را می نویسیم.
- ۲- حرف مضارعه را حذف کرده جای آن مُ می گذاریم.
- ۳- عین الفعل را مفتوح (ـَ) می کنیم.

عَلِمَ ← يُعَلِّمُ ← مُعَلِّم (یاد گیرنده - شاگرد)

اسم مبالغه

که دلالت بر بسیاری صفت دارد و وزنهای متعددی دارد که دو تای آن‌ها را می خوانیم:

فَعَّال ← تَوَّاب (بسیار توبه کننده) - عَلَّام (بسیار دانا) - عَمَّار (بسیار عمر کننده)

فَعَّالَة ← تَوَّابَة (بسیار توبه کننده) - عَلَّامَة (بسیار دانا) و ...

گاهی این دو وزن به معنی شغل (خَبَّاز: نانوا) و یا ابزار (نَظَّارَة: عینک) هم هستند.

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)



الدَّرسُ الثَّالثُ

﴿اگر درس بخوانی قبول می شوی!﴾ این یک جمله شرطیه است. در عربی نیز مانند این جملات وجود دارند و دارای یک ساختار سه جزئی می باشند:

جواب شرط	فعل شرط	ادات شرط
فعل ماضی	فعل ماضی	إِنْ (اگر - چنانچه)
فعل مضارع مجزوم	فعل مضارع مجزوم	مَنْ (هرکس - هرکه)
جمله اسمیة		مَا (هرچیز - هرچه)
		إِذَا (اگر - هرگاه)

﴿فعل شرط هرچه باشد به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود و جواب شرط نیز هرچه باشد به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود:

مثال: مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيراً يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ!

فعل شرط جواب شرط

(هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می رسد)

فعل شرط جواب شرط

﴿اگر جواب شرط جمله اسمیه باشد در ابتدای آن به مبتدا حرف «فَ» می چسبد: مثال: مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. (هر کسی بر خدا توکل کند، او را بس است)

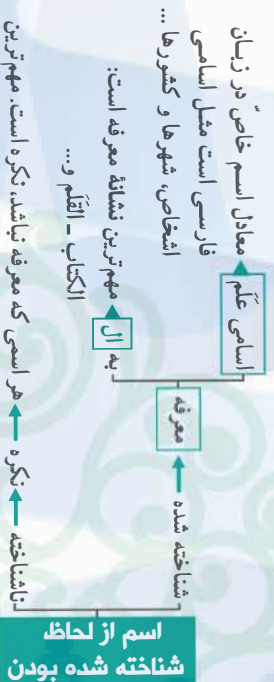
فعل شرط جواب شرط

﴿ادات شرط «إِذَا» تغییری در مضارع ایجاد نمی کند، یعنی آن را مجزوم نمی کند! مثال: إِذَا تَجْتَهَدُ تَنْجَحُ. (اگر / هرگاه تلاش کنی، موفق می شوی.)

خلاصه قواعد عربی یازدهم (انسانی)



هر گاه می گوئیم «یک کتاب خواندم.» معلوم نیست کدام کتاب است. اما وقتی می گوئیم «کتاب را خواندم.» حالا معلوم است کدام کتاب است. در واقع در مثال اول، کتاب ناشناخته بود و در مثال دوم «کتاب» شناخته بود! در عربی نیز اسامی از لحاظ شناخته شده بودن به دو قسمت تقسیم می شود که در نمودار زیر آمده است:



مهم ترین نشانه نکره بودن (کُ) است.

اگر «ال» بگیرند، معرفه به ال (ذوالالام) نیستند: الحسین (معرفه علم است)

هر اسمی که تتوین بگیرد نکره است مگر این که علم باشد:

تلمیذ (نکره است) علی (معرفه است و علم)

در ترجمه اسامی نکره از «ی» و یا «یک» و یا هر دوی آنها استفاده می شود:

دانش آموزی را دیدم! یک دانش آموز را دیدم! یک دانش آموزی را دیدم!

رأیت تلمیذاً

اگر یک اسم در جمله به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره با «ال»

به کار رود، قبل از آن از «این» یا «آن» در ترجمه استفاده می شود:

مثال: قرأت کتاباً، کان الکتاب مفیداً. ← کتابی خواندم، آن کتاب مفید بود.

اگر خبر، نکره باشد، معرفه ترجمه می شود: (العلم کثر: دانش گنج است)

معرفة نكرة

مگر این که خبر دارای صفت باشد:

مثال: هذا کتاب مفید ← این کتابی مفید است.

(انسانی) قواعد و قواعد بازی



گاهی اوقات حروفی بر سر فعل مضارع می‌آیند و تغییراتی را در ظاهر فعل و معنی آن ایجاد می‌کنند. در این درس با برخی از آنها آشنا می‌شویم و در آینده با برخی دیگر. تغییری که این حروف در ظاهر مضارع ایجاد می‌کنند منصوب بودن است. فعل‌های مضارع به سه صورت منصوب می‌شوند:

- ۱) اگر فعل مضارع آخر خود (وُ) داشته باشد ← تبدیل به (اَ) می‌شود.
- ۲) اگر فعل مضارع جمع مؤنث باشد ← تغییری نمی‌کند.
- ۳) در سایر صیغه‌ها ← نون از آخر فعل حذف می‌شود.

خلاصه قواعد عربی یازدهم (انسانی)

حروف ناصبه^۱ + مضارع مرفوع ← مضارع منصوب

أَنْ (که)
كِي (تا - برای این که)
لِ (تا - برای این که)
لِكِي (تا - برای این که)
حَتَّى (تا - برای این که)
لَنْ (مستقبل منفی)

این حروف وقتی بر سر فعل مضارع بیایند علاوه بر تغییر در ظاهر فعل، موجب می‌شوند تا فعل به صورت مضارع التزامی ترجمه شود. البته «لَنْ» این‌طور نیست و مضارع را تبدیل به مستقبل منفی می‌نماید.

يَذْهَبُ ← كَيْ يَذْهَبُ (تا برود)

كِي + يَذْهَبْنَ ← كَيْ يَذْهَبْنَ (تا بروند)

يَذْهَبُونَ ← كَيْ يَذْهَبُوا (تا بروند)

أَذْهَبُ ← لَنْ أَذْهَبُ (نخواهم رفت)

لَنْ + تَذْهَبْنَ ← لَنْ تَذْهَبْنَ (نخواهید رفت)

تَذْهَبِينَ ← لَنْ تَذْهَبِي (نخواهی رفت)

۱ اصطلاح حروف ناصبه و منصوب شدن فراتر از کتاب درسی است و برای فهم بیشتر آمده است!





الدّرسُ الخَمیسُ

اول از همه باید بدانید که در عربی هر «فعل» یک جمله است و گاهی یک فعل یعنی همان جمله پس از یک اسم نکره می آید و به توصیف آن می پردازد (جمله وصفیّه). این فعل بسته به فعل قبل از خود ترجمه‌ی متفاوتی خواهد داشت و به سه حالت کلی است:

حالت ۱



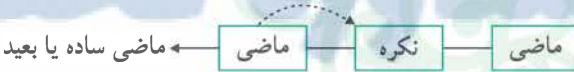
قَرَأْتُ كِتَابًا يُسَاعِدُنِي فِي الْعَرَبِيَّةِ. (کتابی خواندم که مرا در عربی کمک می‌کند).
 ماضی نکره مضارع
 ماضی استمراری

حالت ۲



أَقْرَأُ كِتَابًا يُسَاعِدُنِي فِي الْعَرَبِيَّةِ. (کتابی می‌خوانم که مرا در عربی کمک بکند).
 مضارع نکره مضارع
 مضارع التزامی

حالت ۳



قَرَأْتُ كِتَابًا سَاعَدَنِي فِي الْعَرَبِيَّةِ. (کتابی خواندم که مرا در عربی کمک کرد / کرده بود).
 ماضی نکره ماضی
 ماضی ساده ماضی بعید

همان‌طور که در مثال‌های فوق می‌بینید در ترجمه جمله بعد از نکره (جمله وصفیّه) از حرف «که» استفاده می‌شود.

خلاصه قواعد عربی دهم (انسانی)

در درس قبل با حروفی آشنا شدید که شکل ظاهری و ترجمه فعل مضارع را تغییر می دهند. در این درس با گروهی دیگر از حروف آشنا می شوید که همین ویژگی ها را دارند:

حروف جازمه

لائی ناهیه (دستوری منفی)
لَمْ (گذشته، منفی)
لَمْ (باید + مضارع التزامی)
لَمَّا (ماضی نقلی، منفی)

مضارع مرفوع → مضارع مجزوم + مضارع مرفوع

فعل مضارع به سه روش مرفوع است و به سه روش منصوب است و به سه روش نیز مجزوم می شود:

- ۱) اگر آخر فعل مضارع (اَ) باشد → تبدیل به (اِ) می شود.
اگر مضارع جمع مؤنث باشد → تغییری نمی کند.
 - ۲) در سایر صیغه ها → نون از آخر فعل حذف می شود.
- مثال:

يَذِيبُ → اَمْ يَذِيبُ (نزفت)
يَذِيبُونَ → اَمْ يَذِيبُونَ (نزفتند)
يَذِيبْنَ → اَمْ يَذِيبْنَ (نزفتند)

«ل» در حروف فوق (لام جازمه) بر سر فعل های مخاطب نمی آید:

اَذِيبُ → اَلْاَذِيبُ (باید بروم)
لَمْ يَذِيبَنَّ → لَمْ يَذِيبَنَّ (باید بروند)
لَمْ يَذِيبَنَّ → لَمْ يَذِيبَنَّ (باید بروند)

و اما یک نکته مهم:

انواع لام (لِ) حرف نَصْب (ناصبه) → لِ + مضارع منصوب → تا + مضارع التزامی
حرف جرّ (جاءة) → لِ + اسم → به معنی: برای - به - داشتن
حرف جرّم (جازمه) → لِ + مضارع مجزوم → باید + مضارع التزامی



الدَّرْسُ السَّابِعُ

همان‌طور که می‌دانید یک جمله اسمیه از دو رکن اساسی تشکیل شده است. (۱) مبتدا، (۲) خبر، که هر دوی این‌ها همواره مرفوع‌اند. گاهی بر سر این جملات اِسْمِیَّه فعل‌هایی می‌آیند که در شکل ظاهری جمله تغییر ایجاد می‌کنند و معنی جمله را تغییر می‌دهند. به این فعل‌ها «أفعال ناقصة» می‌گویند که عبارتند از:

- أفعال ناقصة
- ← **كَانَ** به معنی «بود» می‌باشد (و گاهی به معنای است می‌باشد) و فعل کحکی ماضی بعید و استمراری است!
 - ← **صَارَ** به معنی «شد» و «گشت» می‌باشد.
 - ← **أَصْبَحَ** مانند صَارَ به معنی «شد» و «گشت» می‌باشد.
 - ← **لَيْسَ** به معنی «نیست» می‌باشد.

- أفعال ناقصة به جز «لَيْسَ» همگی در مضارع نیز صرف می‌شوند:
- **كَانَ** ← یكونُ - یكونانِ - یكونونَ ... أكونُ - نكونُ
 - **صَارَ** ← یصیرُ - یصیرانِ - یصیرونَ ... أصیرُ - نصیرُ
 - **أَصْبَحَ** ← یُصبحُ - یُصبحانِ - یُصبحونَ ... أُصبحُ - نُصبحُ
- وقتی افعال ناقصه بر سر جمله اسمیه می‌آیند خبر را منصوب می‌کنند.

الکتابُ مفیدٌ ← کانَ الکتابُ مفیداً

- كانَ بر سر دو حرف «لِ» و «عِنْدَ» به معنی «داشت» است:
- كانَ عِنْدِي کتابٌ = کانَ لِي کتابٌ = کتابی داشتم.
- «كُنْ» به معنی «باش» فعل أمر از «كان» است.
- «أَصْبَحَ» تنها فعل ناقصه است که از ثلاثی مزید می‌باشد.

خلاصه قواعد عربی یازدهم (انسانی)



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

قبلاً با افعال ناقصه آشنا شده بودید. این افعال بر سر جمله اسمیه می آمدند و تغییراتی را در معنی جمله و البته مبتدا و خبر ایجاد می کردند. در این جا با دو گروه دیگر از این کلمات آشنا خواهید شد.

حروف مشبّهة بالفعل

حرف	ترجمه	توضیح
إِنَّ	قطعاً - همانا - بی گمان	برای تأکید جمله پس از خو است.
أَنَّ	که	دو جمله را به هم پیوند می دهد.
كَأَنَّ	گویی - مانند	برای تشبیه به کار می رود
لَكِنَّ	ولی	برای کامل کردن پیام و بر طرف کردن ابهام است.
لَعَلَّ	شاید - امید است	برای بیان امید به کاری به کار می رود.
لَيْتَ	کاش	بیانگر آرزو است و به صورت «یا لیت» نیز می آید.

این حروف مبتدا را منصوب می کند.

اللّٰهُ عَلِيمٌ. (خدا دانا است) ← إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ. (بی گمان خدا داناست)

لای نفی جنس

بر سر جمله اسمیه می آید و عملکرد شبیه حروف مشبّهة بالفعل دارد.

اسمی که پس از لای نفی جنس می آید، ال و تنوین نمی گیرد و همواره نکره است و غالباً در آخر خود فتحه (ـَ) دارد و همواره نکره است!

لای نفی جنس به صورت «هیچ نیست» ترجمه می شود.

لا تلميذَ في الصَّفِّ. ← هیچ دانش آموزی در کلاس نیست.

خلاصه قواعد عربی دوازدهم (انسانی)



الدّرسُ الثّانی

در زبان فارسی به اسمی که حالت و چگونگی فردی یا چیزی را در جمله نشان می‌دهد «قید حالت» می‌گویند. در عربی نیز چنین نقشی وجود دارد که به آن «حال» می‌گویند. حال در عربی بر دو نوع می‌باشد.

به صورت یک اسم نکره و منصوب ← جاءَ التّلمیذُ ضاحِکاً
(دانش‌آموز خندان / با خنده آمد.)

حال

به صورت جمله اسمیه با ساختار و + هو، هما، ... + خبر
جاءَ التّلمیذُ و هو ضاحِکٌ. (دانش‌آموز درحالی که خندان بود آمد.)

خلاصه قواعد عربی دوازدهم (انسانی)

به اسمی که حال، حالت و چگونگی آن را نشان می‌دهد مرجع حال می‌گویند که در مثال‌های بالا «التلمیذ» است.

مرجع حال باید معرفه باشد و محلّ اعرابی متفاوتی دارد (فاعل، مفعول و ...)
حال باید از لحاظ جنس و عدد با مرجع حال مطابقت کند.

جاءَ التّلمیذُ ضاحِکاً. جاءَ التّلامیذُ ضاحِکینَ.

اگر حال یک اسم نکره منصوب باشد، باید آن را به صورت قید حالت ترجمه کرد.

اگر حال جمله اسمیه باشد، باید در ترجمه آن از عبارت «درحالی که» استفاده کرد.

استفهام مناسب برای حال «کیف» می‌باشد.

به «و» اوّل حال جمله اسمیه «واو حالیه» می‌گویند.

خلاصه قواعد عربی دوازدهم (انسانی)

لج در زبان فارسی هر گاه بخواهیم کسی را و یا شخصی را از گروهی جدا کنیم از دو کلمه «جُز» و «مگر» استفاده می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم: «همه دانش‌آموزان آمدند جز محمد» در عربی نیز این ساختار وجود دارد و از سه جزء تشکیل می‌شود:

مستثنی منه **جمع و گروهی** است که فردی از آن جدا می‌شود. (همه دانش‌آموزان)

ادات استثناء **ابزار ساختن استثناء** است (جز، مگر) که در عربی «إِلَّا» می‌آید.

مستثنی **اسمی** است که جدا می‌شود (محمد) که در عربی پس از «إِلَّا» می‌آید.

مثال: كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِتِّفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ.

ادات استثناء مستثنی

مستثنی منه

لج اگر مستثنی منه در جمله قبل از اِلَّا بیاید، مستثنی همواره منصوب است.

أنلوب الحصر

لج اگر جمله‌ای منفی باشد (ما - لا - لیس - نَم) و در آن مستثنی منه نیامده باشد اسلوب حصر ایجاد شده است یعنی این‌که چیزی را به کسی یا موضوعی اختصاص می‌دهیم. در اسلوب حصر می‌توان جمله را مثبت و تأکیدی نیز ترجمه نمود.

فقط محمد را دیدم!

کسی را جز محمد ندیدم!

ما شاهدتُ أبا محمداً



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

مفعول مطلق نقشی در جمله است که برای تأکید یا بیان حالت و چگونگی وقوع فعل در جمله به کار می‌رود. مفعول مطلق باید دارای سه شرط زیر باشد:

- ۱ مصدر باشد
 - ۲ از جنس فعل جمله باشد (هم ریشه)
 - ۳ منصوب باشد
- مفعول مطلق در عربی بر دو نوع است:

تأکیدی ← مصدر منصوب به تنهایی می‌آید.

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا

مفعول مطلق

نوعی ← مصدر منصوب به همراه صفت یا مضاف‌إلیه است.

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا صَادِقًا
صفت

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا الصَّالِحِينَ
مضاف‌إلیه

در ترجمهٔ مفعول مطلق تأکیدی از قیدهای تأکیدی (قطعاً - بی‌شک - حتماً - بی‌گمان) استفاده می‌شود.

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا ← از خدا بی‌گمان آمرزش خواستم.

در ترجمهٔ مفعول مطلق نوعی که پس از آن صفت به صورت قیدی برای فعل ترجمه می‌شود.

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا صَادِقًا ← از خدا صادقانه آمرزش خواستم.

در ترجمهٔ مفعول مطلق نوعی که پس از آن مضاف‌إلیه می‌آید از «مثل»، «مانند» و «هم‌چون» استفاده می‌شود.

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا الصَّالِحِينَ ← از خدا مانند درستکاران آمرزش خواستم.

خلاصه قواعد عربی دوازدهم (انسانی)



الدَّرسُ الخَمیسُ

👉 در زبان فارسی برای مورد خطاب قرار دادن یک فرد یا یک شیء از کلمه «ای» استفاده می‌کنند. در عربی نیز برای مخاطب قرار دادن یک فرد از حرف «یا» استفاده می‌شود مثلاً می‌گویند «یا حمید»، «یا تلمیذ» و

👉 به اسمی که پس از «یا» می‌آید در عربی «منادی» می‌گویند یعنی «صدازد شده» منادی در عربی بر سه نوع است:

عَلَمٌ ← اسم شخص، شهر یا کشور ← همواره می‌گیرد:

یا حمیدُ - یا قُدسُ

مضاف ← به اسمی اضافه شده است ← همواره منصوب است:

یا رسولَ الله

اسم شخص خاصی نیست اما مقصود فرد خاصی است ← همواره می‌گیرد:

یا طالبُ - یا اُمُّ

منادی

👉 اگر اسم پس از «یا» در ابتدای خود «ال» داشته باشد در این حالت پس از «یا» برای اسامی مذکر «أیُّها» و برای اسامی مؤنث «أیتُّها» می‌آید. در این صورت این دو کلمه به همراه اسم ال‌دار پس از خود گروه منادی خواهند بود:

یا الرَّجُلُ ← أیُّها الرَّجُلُ ← گروه منادی

یا المَرأةُ ← یا أیتُّها المَرأةُ ← گروه منادی

👉 اگر منادایی در آخر خود (ب) داشت احتمالاً ضمیر متصل «ی» داشته و حذف شده

یا رَبِّ = یا رَبِّی

یا اُمِّ = یا اُمِّی

👉 یا اللهُ = اللهم

خلاصه قواعد عربی دوازدهم (انسانی)



عمار تاجبخش

خالق عربی عمار

مدرس آموزشگاه آنلاین کلاسینو

مدرس سمپاد

طراح آزمون‌های آزمایشی قلم‌چی و گزینه‌دو

مؤلف بیش از ۳۵ عنوان کتاب

مدرس رتبه‌های برتر



مرکز مشاوره تحصیلی
علیرضا افشار

راه‌های ارتباطی مرکز مشاوره

تلگرام

اینستاگرام

وبسایت




AlirezaAfsharOfficial

AlirezaAfsharOriginal

www.AlirezaAfshar.org

رزور مشاوره خصوصی علیرضا افشار

برای رزور مشاوره خصوصی تک جلسه و ماهانه
به شماره ۰۹۳۵۸۹۶۰۵۰۳ در واتساپ  پیام دهید

Afshar.xyz

آدرس تمام رسانه ها :

